

The Role of Corporate Accelerators (CA) in Science-Based Production & Startup Companies

- Article Type: Review Paper
- Vol. 33 | No. 2 | Serial 90 | Jun. 2023
- Received: 2023.10.14
- Revised: 2024.02.24
- Accepted: 2024.04.09
- Published Online: 2024.06.10
- Pages: 107-120
- P-ISSN: 1027-2690
- E-ISSN: 2783-4514



Keywords

Corporate Accelerator, startups, Start-up Companies, Acceleration Program Framework, Entrepreneurial Ecosystem, Lean Startup.

1. ◇ Associate Professor, Department of Technology Development Studies (DTDS), Iranian Research Organization for Science & Technology (IROST), Tehran, Iran
(Corresponding Author)
gh.nargesi1332@gmail.com
ORCID: 0009-0007-9718-297X
2. Researcher, Department of Technology Development Studies (DTDS), Iranian Research Organization for Science & Technology (IROST), Tehran, Iran
sharafi.homa96@gmail.com
ORCID: 0009-0002-2923-214X
3. PhD Candidate, Science & Technology Policy Management, Department of Technology Development Studies (DTDS), Iranian Research Organization for Science & Technology (IROST), Tehran, Iran
firouzmehdi@gmail.com
ORCID: 0000-0001-6393-997X

Cite This Paper: Ramezanpour Nargesi, Gh., Ghaed Sharafi, H., Firouz, M. (2023). The Role of Corporate Accelerators (CA) in Science-Based Production & Startup Companies. *Rahyaft*, 33 (2), 107-120. (Persian).

DOI: 10.22034/RAHYAFT.2024.11376.1397



Publisher: National Research Institute for Science Policy (N.R.I.S.P)

accelerators are much shorter in duration and are offered at the pre-venture stage, where a problem-solution fit is still being developed. Once a venture concept is developed enough and teams are formed, accelerators and incubators become more relevant. Below we describe in more detail these key elements for pre-accelerators. In this phase, the applicants for the CA program would be declared through the related website. Corporate accelerators build bridges between corporations and startups. In the acceleration framework, the real support of entrepreneurs through the time-limited would be done, whereby the time between programs is different (3-6 months). It is necessary to support corporators by providing financial resources.

post-acceleration phase is an essential cornerstone that greatly impacts the assessment and success of corporate accelerator programs. It plays a major role in the development and execution of new ideas.

This study contributes to practice by introducing more clarity between the list of support systems and content for entrepreneurs and support organizations, but also for policymakers who need to understand the roles of different actors in the ecosystem. Moreover, it contributes to research by focusing on the early stages of entrepreneurship and describing how pre-accelerators support eager entrepreneurs.

Three organizational learning processes are identified: (a) knowledge creation, (b) knowledge transfer, and (c) knowledge retention. It appears that corporate accelerators influence all three processes, with a particular focus on knowledge transfer from the corporate accelerator to the parent organization. This, undoubtedly, represents the most suitable stage for strengthening organizational learning and is facilitated through entrepreneurial investments via corporate accelerator programs.

Knowledge transfer is the primary aspect of the organizational learning process in this context, while knowledge retention plays a secondary role for corporate accelerators (CAs). The three broad dimensions that influence organizational learning through corporate accelerators encompass environmental factors, human factors, and organizational methodologies. Environmental factors include the organizational structure, culture, and industry environment. Selecting accelerator personnel should be done meticulously, with

their attributes being a combination of desired trainee characteristics while possessing skills that are valuable for complementing employees. Given the importance of human factors in an accelerator program, organizations should pay attention to the mindset, learning orientation, and willingness to change of their employees. The research methodology used in this study is practical-developmental in terms of its purpose and descriptive-analytical in terms of its type. It provides a framework for assessing the context of accelerator program implementation, including the ecosystem and hosting institution. It then delves into a rational understanding of the program's objectives from the perspective of the executing institution as part of the research outcomes. The framework begins with an assessment of the program's context, encompassing the ecosystem and hosting institution, and subsequently focuses on a logical comprehension of the program's objectives from the perspective of the executing institution and could be used in the ICT area in Iran. Following this, it describes design parameters and recommends specific considerations to be considered during program design.

Furthermore, describing design parameters and highlighting specific considerations during program design is recommended. Ultimately, the framework emphasizes the importance of the learning process and continuous improvement. Given that contextual considerations are constantly evolving, both internally and externally, the design process is one of the stages that should be continuously iterated upon. As the program progresses, it should be reevaluated based on feedback from the beneficiary startups and other stakeholders to ensure its ongoing relevance and effectiveness.

نقش شتابدهندهای شرکتی برای افزایش تولید در شرکت‌های دانش‌بنیان و نوپا

۱. قاسم رمضان پور نرگسی ◇

۲. هما قائد شرفی

۳. مهدی فیروز

نوع مقاله: ترویجی

دوره ۳۳ | شماره ۲ | پیاپی ۹۰ | تیر ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۱

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱

صفحات: ۱۲۰-۱۰۷

شایای چاپی: ۱۰۲۷-۲۶۹۰

شایای الکترونیکی: ۲۷۸۳-۴۵۱۴

چکیده

برنامه‌های شتابدهنده برنامه‌هایی با مدت زمان سه تا شش ماه هستند که به گروههای نوپا در روند سرمایه‌گذاری جدید یاری می‌رسانند. هدف از این مقاله شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های چارچوب برنامه شتابدهی کسب و کار شرکتی است. با توجه به عمر کوتاه نهادهای شتابدهنده شرکتی (CA)، پژوهش‌های اجراسده برا این موضوع، چه در ایران و چه در خارج از ایران بسیار کم‌اند و جامعیت لازم را ندارند. شتابدهنده شرکتی بهمنزله پل ارتباطی بین استارت‌آپ‌ها و شرکت‌ها عمل می‌کند و موجب ارتقای موفقیت هر دو طرف و همچنین انعقاد قراردادهای تجاری بین آنها می‌شود. فرایند شتابدهنده شرکتی نحوه اجرای برنامه شتابدهنده را توصیف می‌کند. شتابدهنده‌ها فرایندی سه مرحله‌ای را طی می‌کنند، که عبارت‌اند از (الف) مرحله قبل از شتاب، اولین گام در روند درخواست، برنامه CA اعلام می‌شود و از طریق تارنمای شرکت در دسترس قرار می‌گیرد؛ (ب) مرحله شتاب، در چارچوب مرحله شتاب، برنامه پشتیبانی واقعی از کارآفرینان شرکت‌کننده صورت می‌گیرد (در مورد شرکت‌های درنظر گرفته شده، برنامه‌ها برای مدت زمان محدودی انجام می‌شود)؛ (پ) مرحله پس از شتاب، جنبه اساسی مرحله پس از شتاب ارزیابی موفقیت برنامه است. این جنبه شامل اندازه‌گیری مدت زمان برنامه دوره و توسعه استارت‌آپ‌ها مطابق با اهداف شرکت‌های مستقر است. شتابدهنده‌های شرکتی توانایی ارزش افزوده قوی برای تقویت نوآوری در سرمایه‌گذاری‌های کارآفرینی را دارند.

برنامه شتابدهنده ذهنیت، نگرش یادگیری و تمایل به تغییر کارمندان خود را مورد توجه قرار می‌دهد. از آنجاکه یکی از ابعاد تأثیرگذار بر یادگیری سازمانی از طریق شتابدهنده‌های شرکتی، عوامل انسانی است کارکنان شتابدهنده باید با دقت انتخاب شوند و مهارت‌های آنان برای تکمیل مهارت‌های کارکنان مفید

کلیدواژه‌ها

شتابدهنده شرکتی، استارت‌آپ‌ها، شرکت‌های نوپا،
چارچوب برنامه شتابدهی، زیست‌بوم کارآفرینانه،
نوپای سریع (ناب).

۱. ◇ دانشیار مدیریت فناوری، پژوهشکده مطالعات فناوری‌های نوین، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، تهران، ایران (پدیدآورابط)

gh.narges1332@gmail.com

ORCID: 0009-0007-9718-297X

۲. پژوهشگر، پژوهشکده مطالعات فناوری‌های نوین، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، تهران، ایران
sharafi.homa96@gmail.com

ORCID: 0009-0002-2923-214X

۳. دانشجوی دکتری، مدیریت سیاست‌گذاری علم و فناوری، پژوهشکده مطالعات فناوری‌های نوین، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، تهران، ایران
firouzmehd@gmail.com

ORCID: 0000-0001-6393-997X

استناد به این مقاله: رمضان پور نرگسی، ق.، قائد شرفی، ه.، فیروز، م. (۱۴۰۲). نقش شتابدهنده‌های شرکتی برای افزایش تولید در شرکت‌های دانش‌بنیان و نوپا. رهیافت، ۳۳(۲)، صص. ۱۰۷-۱۲۰.

DOI: 10.22034/RAHYAFT.2024.11376.1397



ناشر: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

نوآورانه هستند و مدیران این شرکت‌ها می‌توانند کارکنان خود را در ارائه طرح‌های نوآورانه تشویق کنند (Byrne et al., 2017). تعداد شرکت‌های نوپا (استارتاپ‌ها) در تمام صنایع در حال رشدند، مانند محصولات دیجیتال جدید (مثل تلفن همراه) یا برنامه‌های کاربردی برای دستیابی به نوآوری در خدمات. شرکت‌های امروزی نوآوری خود را از جهات گوناگون تقویت می‌کنند و موفق‌ترین شرکت‌ها از چندین منبع مختلف نوآوری مانند نوآوری آزاد، سرمایه‌گذاری شرکت‌ها، انکوباتورها و (CA)^۵ استفاده می‌کنند. شتابدهنده برنامه‌ای است که هدف آن تسريع در ایجاد مشاغل جدید با ارائه آموزش و راهنمایی به گروه‌های سرمایه‌گذاری در مدت‌زمان محدود است (Chesbrough, 2017). شتابدهنده شرکتی مانند پل ارتباطی میان استارتاپ‌ها و شرکت‌ها عمل می‌کند و موجب ارتقای موفقیت هر دو طرف و همچنین انعقاد قراردادهای تجاری بین آنها می‌شود.

مطالعات فعلی به ابعاد مؤلفه‌های شتابدهنده‌های شرکتی می‌پردازد و بر عوامل موفقیت آنها تمرکز می‌کند و شواهدی را ارائه می‌دهند که شتابدهنده‌های شرکتی بازده امیدوارکننده‌ای را برای هر دو شرکت نمایش دهنند. با توجه به روند جهانی، توسعهٔ مراکز شتابدهی کسب و کارها در ایران نیز مورد توجه سیاست‌گذاران کشور قرار گرفته است که اغلب آنها در دانشگاه‌ها مستقرند (معاونت پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵). در واقع این مراکز که تعدادشان در ایران به حدود ۵۰ مرکز بالغ می‌شود بیشتر از نوع مراکز شتابدهنده مستقل‌اند. شتابدهنده‌های شرکتی نهادهایی هستند که زیر نظر شرکت‌های بزرگ تمرکز عمیق‌تری بر توسعهٔ کسب و کار دارند و با ارائهٔ مشاوره، آموزش و ارائهٔ منابع در چند موضوع (امور مالی، بازاریابی، مدیریت، مریبگری، برنامه‌آموزشی و شبکه‌سازی) برای مدتی محدود از گروهی از شرکت‌های نوپا حمایت می‌کنند. شتابدهنده‌های شرکتی باعث ایجاد کسب و کار جدید، افزایش سودآوری، ایجاد دانش جدید، منابع و روش‌های جدید، تجدید راهبرد یا ایجاد مزیت‌های رقباتی و همچنین تشویق رفたار کارآفرینانه در بین کارکنان می‌شوند. این برنامه‌ها به متابهٔ بخشی از «زیست‌بوم» کارآفرینی عمل می‌کنند. کارکرد اصلی برنامه‌های مراکز شتابدهنده مستقل ارائهٔ مشاوره‌های کسب و کار برای شتابدهی و رشد کسب و کار مستقل است. بر این اساس در بررسی حاضر شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های چارچوب برنامهٔ شتابدهی کسب و کار شرکتی، نگرش و فرایند یادگیری برای بهبود مستمر و نیز چگونگی افزایش موفقیت مدیران و بنیانگذاران شتابدهنده‌های نوپا مد نظر قرار می‌گیرند. برای نمونه از نظر اسماعیل (Ismail, 2020) چارچوب برنامهٔ شتابدهی مراکز شتابدهنده کسب و کار نوپا شامل دو

باشد. از یافته‌های پژوهش شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های چارچوب برنامهٔ شتابدهی کسب و کار شرکتی و همچنین نگرش و فرایند یادگیری برای بهبود مستمر مشخص و نیز چگونگی افزایش شناس موفقیت مدیران و بنیانگذاران شتابدهنده‌های نوپا تبیین می‌شود.

روش شناسایی پژوهش، از نظر هدف کاربردی-توسعه‌ای و از نظر نوع، توصیفی-تحلیلی است. ارائهٔ چارچوبی همراه با ابعاد و مؤلفه‌های CA برای ارزیابی زمینهٔ برنامهٔ شتابدهی، از جمله اکوسیستم و نهاد میزبان و سپس درک منطقی و اهداف برنامه از دیدگاه نهاد مجری از نتایج مقاله است. در ضمن پارامترهای طراحی توصیف و نکات ویژه‌ای توصیه می‌شود تا در هنگام طراحی برنامه درنظر گرفته شوند. در نهایت چارچوب اهمیت فرایند یادگیری و بهبود مستمر بر جسته می‌شود.

مقدمه و بیان مسئله

مطالعات جدید نشان می‌دهد که کارآفرینی شرکتی، به عنوان پدیده‌ای در سطح شرکت، در برانگیختن نوآوری، احیای سازمان، افزایش بهره‌وری و در نهایت ایجاد مزیت برتر در بازار نقش مهمی ایفا می‌کند (Alblawi et al., 2014). بهمنظور پاسخگویی به چالش‌های بازار معاصر، شرکت‌ها به دنبال مدل‌های تجاری جدید ایجاد ارزش هستند که شامل طیف گسترده‌ای از نقش‌آفرینان بازار در فرایند تولید نوآوری است و موجب تقویت کارآفرینی می‌شود. نوآوری فقط به توسعهٔ اصلی ارزش شرکت است (Argote, 2011). نوآوری فقط به توسعهٔ محصول یا خدمات مناسب مربوط نمی‌شود بلکه می‌تواند جنبه‌های بازاریابی، تولید، امور مالی و توزیع را نیز دربرگیرد. فرایند «نوآورانه باز و سازگار» امروزه معمولاً «روش استارتاپ^۱ سریع» نامیده می‌شود که نویسنده‌گانی مانند ریس^۲ (Ries, 2011) و بلنک^۳ (Blank, 2013) آن را رواج داده‌اند.

با توجه به رقابت روزافزون بازار و تحولات بی‌شمار فناوری، شرکت‌های بزرگ با استفاده از الگوهای تجاری جدید بر اساس رویکردهای نوآوری باز^۴ (O) فعالیت می‌کنند. فناوری‌های نوظهور به رقبای توانا فرصت ورود و طراحی مجدد به کل بازارها را می‌دهند. همان‌طور که چسپرو می‌گوید (Chesbrough, 2017) رویکرد نوآوری باز^۴ (OI) رویکردی ثابت در علم و عمل است. تأمین کنندگان، مشتریان، مؤسسات پژوهشی و حتی سازمان‌های خارج از صنعت می‌توانند در فرایند نوآوری یک شرکت مشارکت داشته باشند. علاوه بر این شرکت‌های نوپا منبع مهمی از دانش برای ارائهٔ ایده‌های

5. Corporate Accelerator
6. Ecosystem

مد نظر بوده است. از نظر روش گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات پیمایشی با استفاده از ابزارهای گردآوری اطلاعات شامل مشاهده، مصاحبه، مطالعه اسناد و مدارک علمی معتبر و پایگاه‌های داده‌های بین‌المللی به جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شد. روش اجرا توصیفی است که با بررسی ادبیات نظری، استخراج مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلی و تحلیل محتوا تدوین و ارائه ابعاد و مؤلفه‌های برنامه شتابدهی شرکتی انجام گرفته است.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه

۱-۲. کارآفرینی شرکتی

کارآفرینی شرکتی به مثابه پدیده‌ای در سطح شرکت، نقش مهمی در انگیزه نوآوری، افزایش بهره‌وری و در نهایت ایجاد مزیت برتر در بازار نقش آفرینی می‌کند (Albliwi et al., 2014). بهمنظور پاسخگویی به چالش‌های بازار معاصر، شرکت‌ها به دنبال مدل‌های تجاری جدید ایجاد ارزش که شامل طیف گسترده‌ای از نقش آفرینی در بازار در فرایند تولید نوآوری هستند و کارآفرینی شرکت‌ها را تقویت می‌کنند. آنچه به طور اساسی کارآفرینی شرکتی را از کارآفرینی مستقل متمایز می‌سازد، تأثیر بسیار سازمان مادر بر ظرفیت یادگیری سرمایه‌گذاری شرکتی است و نقش سرمایه‌گذاری شرکتی صرفاً یکی از چندین تلاش شرکت برای یادگیری در مورد چشم‌انداز فرصت‌های ویژه است (Fehder et al., 2014).

۲-۲. نوپای سریع

نوپای سریع^۱ در واقع برای توسعه محصول و کسبوکار (به‌ویژه برای استارتاپ‌ها) به کار می‌رود و برای نخستین بار اریک ریس^۲ کارآفرین آمریکایی آن را به شکل امروزی معرفی و مطرح کرد. فلسفه آن بر چرخه تکرارشونده‌ای استوار است که در آن از ایده به ساخت محصول، از محصول به جمع‌آوری داده و اندازه‌گیری و از داده‌های به دست آمده به یادگیری می‌رسیم. اریک ریس^۳ که با استیو بلنک^۴ کار می‌کرد و در عمل روش «توسعه مشتری» زیر نظرش فراغیر شده بود، آموزه‌های دیگر خود، یعنی مفاهیم توسعه چاپک^۵ نرم‌افزار و شیوه‌های ساخت و تولید سریع^۶ را با آن ترکیب کرد. رویکرد نوپای

1. Lean Startup

در انگلیسی Lean Startup گفته می‌شود. در ادبیات کسب و کار به معنی «یادگیری و بهره‌برداری سریع» به کار برده می‌شود، البته در متون مربوط، «نوپای ناب» هم گفته می‌شود. کاربرد لفظ ناب به این دلیل است که در این روش، تولید در کوتاه‌ترین زمان ممکن عرضه می‌گردد تا به بازخوردهای ناب برسیم.

2. Agile

3. Lean Manufacturing

مؤلفه اصلی است: ۱) زمینه (زمینه شتابدهی کارآفرینی و مؤسسه میزان) و ۲) پارامترهای برنامه شتابدهی (از جمله برنامه ساختاری و مراحل استارتاپ و مانند آن) است (Cohen & Hochberh, 2014). از طرف دیگر در ایران در کار مراکز شتابدهنده مستقل، مراکز شتابدهنده شرکتی، به‌ویژه در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات در حال ظهورند.

اهداف و روش‌شناسی

شتابدهنده‌های شرکتی باعث ایجاد کسبوکارهای جدید، افزایش سودآوری، ایجاد دانش جدید، منابع و روش‌های جدید، تجدید راهبرد یا ایجاد مزیت‌های رقابتی و همچنین تشویق رفتار کارآفرینانه در بین کارکنان می‌شوند. بر این اساس مقاله متمرکز بر شتابدهنده‌ها و نقش آنها در بازور کردن ایده‌های شرکت‌های نوپا برای تبدیل ایده‌ها به محصول (کالا یا خدمات) به طور مستقل و یا خدمت گرفتن آنها برای کسبوکاری بزرگ در عرصه کارزار (رقابت‌های توسعه نوآوری و کارآفرینی و در نهایت باعث سرفراز کردن شرکت‌های «هدف اصلی») این مقاله طراحی چارچوب برنامه شتابدهی کسبوکار شرکتی و سازمان‌دهی یک شرکت است که می‌تواند برنامه شتابدهنده شرکتی را ایجاد و همچون واسطه نوآوری عمل کند و از شرکت‌های نوپا و همچنین شرکت مادر پشتیبانی نماید. اهداف دیگر این پژوهش پرداختن به این است که چگونه مدیران و بنیان‌گذاران شتابدهنده‌های نوپا می‌توانند شناس موقفيت خود را افزایش دهند. ما به دنبال ارائه الگویی هستیم که بتواند در ادبیات دانشگاهی آزمایش و پالایش شود و از آن بتوان برای بهبود برنامه‌های شتابدهنده استفاده کرد.

پرسش اصلی پژوهش عبارت است از اینکه، ابعاد و مؤلفه‌های چارچوب برنامه شتابدهی کسبوکارهای شرکتی کدام‌اند؟ پرسش دیگر نگرش و فرایند یادگیری برای بهبود مستمر کدام است؟ و نیز چگونه مدیران و بنیان‌گذاران شتابدهنده‌های نوپا می‌توانند شناس موقفيت خود را افزایش دهند؟

از دیدگاه «روش‌شناسی» این پژوهش از نظر هدف، کاربردی-

توسعه‌ای و از نظر نوع، توصیفی-تحلیلی است که با بررسی ادبیات نظری، استخراج مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلی و همچنین پس از انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و تحلیل محتوا شتابدهنده‌ها، تجارب گذشته از ظهور و عملکرد آنها و نقش آنها در بازور کردن ایده‌های شرکت‌های نوپا مطالعه و بررسی شد.

یادآوری می‌شود که برای انجام مصاحبه، خبرگانی انتخاب شدند که در زمینه سازمان‌دهی شرکت‌هایی که بتوانند برنامه شتابدهنده شرکتی را ایجاد و همچون واسطه نوآوری عمل کنند، صاحب‌نظر بوده‌اند. در این مطالعه به الگوهای مختلف مربوط به CAها که البته بسیار محدود است، پرداخته شد. همچنین به منظور بررسی و تحلیل، عوامل یادگیری و موقفيت برنامه شتابدهی کسبوکارهای شرکتی

کلی شتابدهنده به سرمایه‌گذار کمک می‌کند تا محصولات اولیه خود را تعریف کند و آن را بازار، «برنامه‌های شتابدهنده برنامه‌هایی با مدت زمان محدود هستند که به گروههای نوپا با روند سرمایه‌گذاری جدید کمک می‌رسانند». آنها عموماً مقدار کمی از سرمایه بذر، به علاوه فضای کاری را فراهم می‌کنند. آنها همچنین با مشارکت همکاران و مربیان، می‌توانند فرصت‌های شبکه‌سازی برای کارآفرینان موفق، دانش‌آموختگان برنامه، سرمایه‌داران برای سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران فرشته یا حتی مدیران شرکت ایجاد کنند. سرانجام، بیشتر برنامه‌ها بیک رویداد بزرگ، در «روز نمایش»^۶ پایان می‌باید که سرمایه‌گذاری‌ها به سمت مخاطبان بزرگی از سرمایه‌گذاران وارد شرایط انحصار می‌شود.

شتابدهنده‌ها (CA) پدیده جدیدی هستند. شرکت‌های میکروسافت، تلفنیکا و سیتریکس^۷ از نخستین شرکت‌هایی هستند که بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱، برنامه‌های CA را راهاندازی کردند. به طور کلی شتابدهنده‌ها به سرعت در حال افزایش‌اند. اما شتابدهنده مایکروسافت، یکی از اولین CA‌ها، ۶۴۷ استارتاپ را تسریع کرده است.

شتابدهنده با انکوباتور متفاوت است. به جای «پناه دادن» به مشاغل آسیب‌پذیر، شتابدهنده‌به‌دبیل «تسريع موفقیت یاشکست» آنهاست (Cohen, 2013). هدف شتابدهنده در درجه اول تعریف و ساخت سریع محصولات نخستین، شناسایی مشتریان و تأمین سرمایه یا کارکنان است. آنها همچنین ممکن است به‌دبیل کاهش هزینه‌های جستجو برای کارآفرینان و سرمایه‌گذاران باشند که به‌دبیل سرمایه‌گذاری در مراحل اولیه هستند.

به منظور دستیابی به درک عمیق‌تری از الگوی شتابدهنده، تشخیص آن از مفهوم انکوباتور مفید است. در ادبیات، این دو مفهوم اغلب مرتبط‌اند یا گاهی مترادف به کار می‌روند. در حالی که هر دو، هدف توسعه موفق راهاندازی را از طریق رویدادی قابل مقایسه دنبال می‌کنند، می‌توان آنها را از جنبه‌های ارائه‌شده زیر متایز کرد.

این دو مفهوم از نظر «مدت زمان اقدامات حمایتی» تفاوت اساسی دارند. شرکت‌های نوپا به طور متوسط یک برنامه شتابدهنده را در مدت سه تا شش ماه به پایان می‌رسانند، در حالی که پس از یک تا

۴. نخستین مرحله رسمی تأمین بودجه است و سرمایه نخستین و بذر یک کسب و کار گفته می‌شود، تأمین مالی بذر نوعی بودجه مبتنی بر ارزش شهام است که در آن سرمایه‌گذار در طول مراحل اولیه کسب و کار سرمایه‌گذاری می‌کند.

۵. رویداد «روز نمایش» یا روز ارائه، رویدادی با هدف کلید زدن ارتباط بین استارتاپ‌ها و سرمایه‌گذاران است. در پایان هر دوره شتابدهنده‌ی برگزار می‌شود. این رویداد با حضور سرمایه‌گذاران، شتابدهنده‌ها، کارآفرینان و فعالان این اکوسیستم همراه می‌شود.

6. Citrix & Telefonica, Microsoft

سریع با معرفی مفاهیمی مانند کمینه محصول، سبکی برای شروع و تعییر را به کارآفرینان معرفی می‌کند.

سازمان‌های بزرگ هنگام اتخاذ اصول روش ناب یا سریع با موانع Pedersen & Huniche (2011) گزارش می‌دهند که بیش از ۷۰ درصد از سازمان‌هایی که تجزیه و تحلیل کرده‌اند موفق به پیاده‌سازی لین نشده‌اند. البلیوی و همکاران (Alblawi et al., 2014) در شناسایی این عوامل تنها نیستند. باسین (Bassin, 2012) ۶۸ مورد میزان پایین موفقیت در پذیرش سریع تحلیل کرد و بین عوامل مربوط به سازمان‌های کوچک، متوسط و بزرگ تمایز قائل شد.

روش شناسایی استارتاپ سریع در سازمان‌های بزرگ

روش شناسایی استارتاپ سریع، روشن است که کارآفرینان اریک ریس و استیو بالانک معرفی کردند و رواج دادند. ریس در کتاب خود با عنوان، استارتاپ سریع (Ries, 2011) روشی برای استارتاپ‌های جدید توصیف می‌کند تا شناس موفقیت آنها را افزایش دهد. این روش شناسی بر سه مفهوم اصلی «ساختن»، «اندازه گرفتن» و «یادگرفتن» متمرکز شده است. تولید کمینه محصول بادام و ایجاد کمینه محصول قابل اجرا (MVP)^۸ که نسخه‌ای از محصول / خدمات در حال توسعه است و از همه ویژگی‌های دیگر به غیر از ویژگی‌های غیرلازم برای عملکرد صحیح برخوردار است، می‌تواند با هدف جمع‌آوری بازخورد به گروه مشتریان معرفی شود (Hackett & Dilts, 2004). او می‌گوید با ارائه کمینه محصول قابل قبول می‌توان بازخوردهای متفاوتی دریافت کرد و محصول را در کمترین زمان ممکن عرضه کرد تا شاهد بازخوردهای ناب بود. سه مفهوم در یک حلقه، بسازید—اندازه بگیرید—یاد بگیرید^۹ بیوسته تکرار شده‌اند. این اواخر در فرایندهای توسعه این نگرش توسعه پایه‌گذار مدل محبوب رابرт کوپر (Cooper, 2013)، به نام توسعه چاک^{۱۰} که از صنعت فناوری اطلاعات سرچشمه می‌گیرد با هدف ایجاد یک فرایند توسعه انعطاف‌پذیرتر، کاهش زمان چرخه توسعه محصول و صدای مشتری، طراحی شده است (Heshmati & Shafiee, 2021).

شتابدهنده‌شرکتی

شتابدهنده برنامه‌ای است که هدف آن تسريع در ایجاد مشاغل جدید با ارائه آموزش و راهنمایی به گروههای سرمایه‌گذاری در مدت زمان محدود است. سوزان کوهن (Cohen & Hochberg, 2014) استاد کارآفرینی در دانشگاه ریچموند و محقق بر جسته در زمینه شتابدهنده‌های نوپا، تعریف کاملی از این مفهوم ارائه می‌دهد. به طور

1. Minimum Viable Product
2. Build-Measure-Learn
3. Agile Development

فناوری، از شرکت نوپا حمایت اساسی کند (Pazhouhesh, 2018) علاوه بر این، هدف آن تقویت زیستبوم خود با ایجاد یک زیستبوم استارتاپ موازی است.

مطالعات بر پیشینهٔ پژوهش نشان می‌دهد که در ایران پژوهش‌های چندانی در این زمینه صورت نگرفته است. در ادامه تعدادی از این پژوهش‌ها آورده می‌شود که با توجه به عمر کوتاه نهادهای شتابدهنده شرکتی، پژوهش‌های اجرایشده در این باره چه در ایران و چه در خارج بسیار کم و جامعیت لازم در این خصوص را ندارند.

افرادی که در پایان نامهٔ کارشناسی ارشد خود تا حدی به بررسی موضوع پرداخته‌اند، از جمله حشمتی و شفیعی (Heshmati and Shafiee, 2021) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی برنامه‌های شتابدهنده در شتابدهندهای شرکتی ایران»، پس از بررسی و تجزیه و تحلیل به نتایج زیر می‌رسند: ۱) نبود ساختار ارزیابی مریبان؛ ۲) جهت‌گیری اشتباه مریبان آموزش‌نديده بدون برنامهٔ شتاب بومی؛ ۳) ارزیابی نادرست استارتاپ‌ها برای ورود به دورهٔ شتاب؛ ۴) نبود شرح شغلی برای تیم اجرایی شتابدهنده‌ها؛ ۵) نبود هدف واحد در بین اعضای تیم‌های استارتاپی و ۶) شکستهای رایج در بین مصاحبه‌شوندگان شامل (الف) مشکلات مربوط به ساختارها و مریب‌گری؛ (ب) روند شتاب؛ (پ) مشکلات مربوط به زیرساختهای شتابدهنده و (ت) تیم‌های استارتاپی. دستاوردهای این طرح برای نویسنده‌گان مقالهٔ حاضر ناکافی به نظر رسیدند، به این دلیل که قبل از هرگونه طراحی شتابدهنده باید به آسیب‌شناسی وضعیت موجود جامعه پردازد. این تحقیق به آسیب‌شناسی برنامه‌های شتابدهنده شتابدهندهای شرکتی کمک شایانی نمی‌کند.

مبینی دهکردی و دیگران (Mobini Dehkordi et al., 2018) در مقالهٔ خود با عنوان «ارائه مدل ارزیابی و رتبه‌بندی شتابدهندهای استارتاپی با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها» نشان می‌دهند که شتابدهندها در ارزیابی فرستادها از ۱۹ معیار در سه بعد راه حل، تیم کارآفرین و شتابدهنده استفاده می‌کنند. شتابدهندها با استفاده از یازده معیار به دنبال ارزیابی مخاطره‌های چهارگانه بازار، فناوری، کارگزاری و سرمایه هستند. خوبه‌بندی اهمیت معیارهای ارزیابی برای شتابدهندها نشان می‌دهد که رویکردهای ارزیابی به دو دسته ارزیابی در محور تیم و دیگری بر محور بازار تقسیم می‌شوند. دستاوردهای این طرح برای نویسنده‌گان مقالهٔ حاضر ناکافی بودند، به این دلیل که برای ازین بدن شکافی که پژوهشگران، سیاست‌گذاران و سایر افراد علاقه‌مند به راهاندازی برنامه‌های شتابدهنده دنبال آن هستند، چارچوب جامعی ارائه نمی‌کند. همچنین این پژوهش به بررسی اکوسیستم کارآفرینی پرداخته، در حالی که اشاره‌ای به ساختار شتابدهنده‌ها نکرده است.

کردحیدری و دیگران (Kordheydari, et al., 2019) در مقاله‌ای با عنوان «مدل اکوسیستم کارآفرینی برای توسعهٔ شرکت‌های نوپای

پنج سال از مرکز انکوباتور فارغ می‌شوند. دورهٔ کوتاه‌تر شتابدهنده وابستگی استارتاپ‌ها به واحد پشتیبانی را کاهش می‌دهد. همچنین تفاوت معناداری بین مفاهیم از نظر فرایند انتخاب وجود دارد. در انکوباتورها، شرکت‌های نوپا معمولاً به صورت موردی انتخاب می‌شوند و شرکت‌کنندگان جدید در طول سال پذیرفته می‌شوند. در اینجا مرحله توسعهٔ شرکت‌های نوپا کمتر اهمیت دارد. در مقابل، در شتابدهندها شرکت‌های نوپا برای مکان‌های محدود به صورت گروهی رقابت می‌کنند.

در سال‌های اخیر، شتابدهندهای شرکتی به عنوان روشی جدید برای تقویت همکاری بین استارتاپ‌ها و شرکت‌های بزرگ ظهور کرده‌اند. هر دو نوع برنامهٔ شرکتی و غیرشرکتی شتابدهنده جایگاه مهمی در زیستبوم نوپا دارند و شکاف بین سرمایه‌گذاری‌های اولیه و سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز مرحله بعد را کم کرده‌اند. شتابدهنده شرکتی همچون پل ارتباطی بین استارتاپ‌ها و شرکت‌ها عمل می‌کند و باعث ارتقاء موقوفیت هر دو طرف و همچنین انعقاد قراردادهای تجاری بین آنها می‌شود. با این حال، مطالعات آکادمیک در مورد CAها محدود است. شتابدهندهای مستقل استارتاپ معمولاً به عنوان یک برنامه ثابت مدت‌دار، مبتنی بر نظرات گروه شامل مریب‌گری و اجزای آموزشی که در یک رویداد عمومی به اوج خود می‌رسند، اغلب در «روز نمایش» تعریف می‌شوند (Cohen & Hochberg, 2014).

شتابدهنده «برنامه‌ای است که تمرکز عمیق‌تری بر توسعه کسب‌وکار دارد و هدف آن توسعه استارتاپ‌های است» تا بتوانند در چند موضوع (امور مالی، بازاریابی، مدیریت و مانند آن)، مریب‌گری، برنامهٔ آموزشی و شبکه‌سازی آماده سرمایه‌گذاری باشند (Kuratko et al., 2015) به شرکت‌های بزرگ فرصتی برای رشد و نوسازی درازمدت می‌دهد و با یک طراحی مؤثر، مقیاس و دامنهٔ شرکت‌های بزرگ و سرعت و روحیه استارتاپ کوچک را ترکیب می‌کند. کوهن شتابدهنده‌هارا به عنوان یاور گروه‌های سرمایه‌گذاری و ساخت محصول اولیه خود، شناسایی بخش‌های مشتری و تأمین منابع تعریف می‌کند.

مواردی که استارتاپ‌های نوپا را به مشارکت در CAها جذب می‌کند، به طور کلی این است که CAها در ارائه خدمت، به استارتاپ‌ها کمک می‌کنند تا بازخورد درخور توجهی از محصول ارائه دهنده استارتاپ‌ها و بینان گذاران خاص، اغلب در زمینهٔ بازاریابی، شبکهٔ قوی و فروش فاقد دانش‌اند، زیرا سابقهٔ آنها اغلب شامل مهندسی و توسعهٔ محصول است (Nesner et al., 2020). به طور کلی، یک شتابدهنده شرکتی به دنبال محصولات، خدمات یا فناوری‌هایی در صنعت مادر شرکت خود است که دست کم می‌تواند در شاخهٔ خاصی از صنعت استفاده شود. از آنجا که این شرکت به احتمال زیاد در یک صنعت تخصصی است، می‌تواند با ورود به بازار و تجاری‌سازی محصول، خدمات یا

یافته‌ها

فرایندهای شتابدهنده شرکتی (CA)

فرایندهای شتابدهنده شرکتی نحوه اجرای برنامه شتابدهنده را توصیف می‌کند. این فرایندهای در سه مرحله بیان می‌شود:

(الف) مرحله قبل از شتاب: اوین گام در روند درخواست، برنامه CA اعلام می‌شود و از طریق تارنمای شرکت در دسترس قرار می‌گیرد. علاوه بر این، CA می‌تواند نوآوری‌های نویدبخش را به ابتکار عمل مرتبط با خود تشخیص دهد و درخواست کنندگان را دعوت به همکاری کند. برای اینکه شرکت‌های مستقر بتوانند از طریق ابتکارات CA به اهداف مالی و راهبردی خود برسند، انتخاب استارت‌اپ‌های مرتبط با هدف، مؤلفه اساسی مرحله قبل از شتاب است.

(ب) مرحله شتاب: در چارچوب مرحله شتاب، برنامه پشتیبانی واقعی از کارآفرینان شرکت‌کننده اجرا می‌شود. در مورد شرکت‌های درنظر گرفته شده، برنامه‌ها برای مدت محدودی انجام می‌شود، به موجب آن مدت‌زمان بین برنامه‌ها متفاوت است (سه تا شش ماه). برای شرکت‌های درنظر گرفته شده پشتیبانی ارائه شده از طریق تهیه منابع مادی ضروری است. علاوه بر فضاهای همکاری، شرکت‌ها به سایتها توسعه نیز دسترسی پیدا می‌کنند و می‌توانند از تجهیزات و ماشین‌آلات خود شرکت برای توسعه استفاده کنند. بنابراین، تأمین منابع مادی جزء اصلی فرایندهای CA است. در این زمینه، پشتیبانی از طریق منابع مالی، نوید عملکرد CA های درنظر گرفته شده است.

(پ) مرحله پس از شتاب: جنبه اساسی مرحله پس از شتاب ارزیابی موقفيت برنامه است. این جنبه شامل اندازه‌گیری مدت‌زمان برنامه دوره و توسعه استارت‌اپ‌ها مطابق با اهداف شرکت‌های مستقر است. شاخص‌های مالی، فرصتی را برای ارزیابی پیشرفت کارآفرینان نوپای مورد بررسی در نظر می‌گیرند. پس از پایان دوره بودجه شتابدهنده شرکتی، واحدهای سازمان دهنده تصمیم می‌گیرند تا چه میزان تعامل بیشتری با شرکت‌های نوپا داشته باشند که برای شرکت‌های مورد نظر پس از مرحله شتاب، همکاری بیشتر مطلوب باشد.

یادگیری سازمانی از طریق شتابدهندهای شرکتی
شتابدهندهای شرکتی توانایی ایجاد ارزش افزوده قوی برای تقویت نوآوری در سرمایه‌گذاری‌های کارآفرینی را دارند. آرگوت (Argote, 2011) سه فرایندهای یادگیری سازمانی را مشخص می‌کند، (الف) ایجاد دانش، (ب) انتقال دانش و (ج) حفظ دانش. به نظر می‌رسد شتابدهندهای شرکتی هر سه فرایندهای تحت تأثیر قرار می‌دهند، بر اساس این فرض است که مرحله ایجاد دانش در حال حاضر با حضور استارت‌اپ‌های گوناگون خارجی انجام می‌شود و دانش خارجی فراوانی

فناوری نوینیاد» به این نتیجه می‌رسد که نقش کلیدی کارآفرینی و کسب‌وکار فناورانه نوپا در روند رشد اقتصادی توسعه پایدار کشورها روشن است. بر این اساس ۱۲ مؤلفه با دربرداشتن ۳۶ مفهوم در سه بعد خود، میانی و کلان تأثیرگذارند. دستاوردهای این طرح برای نویسنده‌گان مقاله حاضر ناکافی بودند، به این دلیل که این پژوهش به بررسی آکوسیستم کارآفرینی پرداخته، در حالی که اشاره‌ای به ساختار شتابدهنده‌ها نکرده است.

مهم‌ترین پژوهش‌های خارجی انجام شده در این زمینه عبارت‌انداز: آیمن اسماعیل (Ismail, 2020) در پژوهشی که با عنوان «چارچوبی برای طراحی برنامه‌های شتابدهنده کسب‌وکار: مطالعه موردی از مصر» انجام داده به این نتیجه می‌رسد که جنبه‌هایی از قبیل آنالیز محیط بیرونی در آکوسیستم کارآفرینی اطراف و همچنین محیط داخلی در قابلیت‌ها، منابع و محدودیت‌های مؤسسه میزبان، در هدایت فرایندهای اهمیت دارد. پارامترهای طراحی که باید در توسعه برنامه شتاب مورد توجه قرار گیرد عبارت‌انداز: ارزش برنامه، تمرکزبخشی، زمان، ارائه خدمات، شدت منابع و قدرت نفوذ، مشارکت‌ها، یادگیری و بهبود مستمر و همچنین مشخصات استارت‌اپ‌های پشتیبانی شده. دستاوردهای این طرح برای مقاله حاضر ناکافی بودند، زیرا پیش از طراحی یک برنامه شتابدهنده، شناخت محیط کمک زیادی به طراحی شتابدهنده می‌کند. با وجود شbahat نزدیک آکوسیستم کارآفرینی در دو کشور ایران و مصر، تنها از برخی از نکته‌ها در این پژوهش می‌توان برای طراحی شتابدهنده‌ها در ایران بهره برد.

دیگری پایان‌نامه اوردن (Uhrdin, 2020) با عنوان «یادگیرید چگونه آزمایش کنید: توسعه یک شتابدهنده شرکتی» از طریق مطالعه موردی عمیق در مورد یک شرکت بزرگ مخابراتی چندملیتی، که هدف آن حمایت از سرمایه‌گذاری سیستماتیک مبتنی بر آزمایش در زمینه‌های تجاری راهبردی جدید است به بررسی موضوع خود پرداخت. او در یک مدل پایه‌ای، فرایندهای یادگیری را به تصویر کشید. در پرتو نظریه کارآفرینی شرکتی، ادبیات نوظهور درباره شتابدهنده‌های شرکتی را به عنوان توانمند کننده‌های یادگیری تجربی، و ادبیات یادگیری سازمانی مورد بحث و بررسی قرار داد. اوردن شش روش یادگیری متمایز را شناسایی کرد که در سه مرحله متمایز رخ می‌دهند. این روش‌های یادگیری عبارت‌انداز: ۱) شماتیک یادگیری مشاهده‌ای؛ ۲) یادگیری مشارکتی؛ ۳) یادگیری از شیوه‌های متضاد شرکت؛ ۴) تکرار در سراسر سازمان؛ ۵) یادگیری عمدی و ۶) تکرار تطبیقی شیوه‌های شرکت. دستاوردهای این طرح برای نویسنده‌گان مقاله حاضر ناکافی بودند، چون بحث درباره ابعاد و مؤلفه‌های شتابدهنده را بررسی نکرده و پارامترهای طراحی توسعه برنامه شتابدهنده را مورد توجه قرار نداده است.

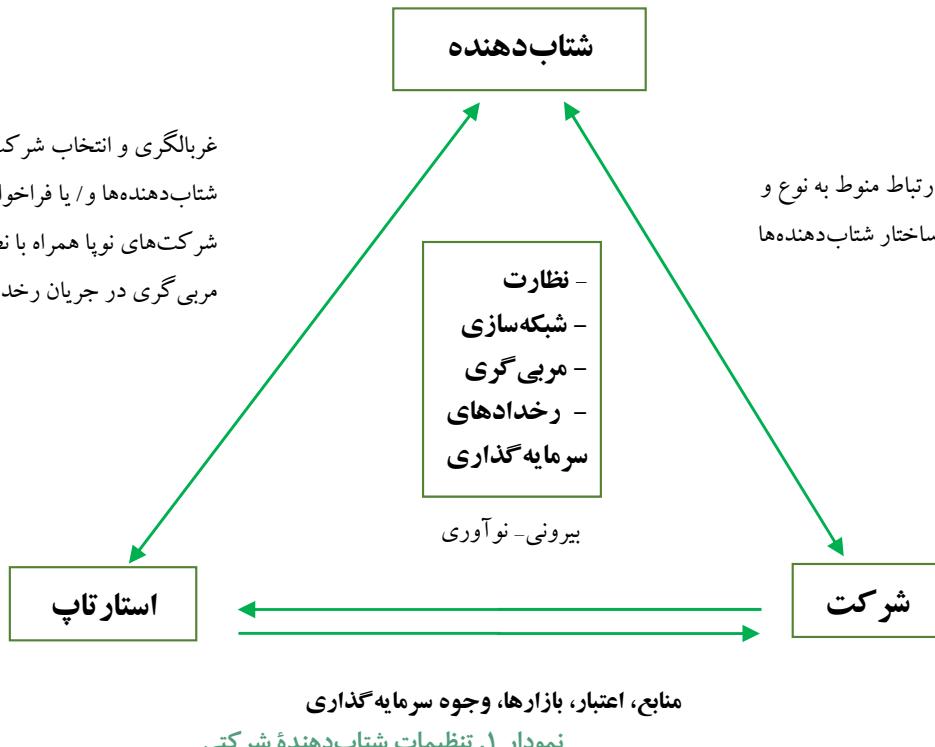
با توجه به اهمیت عوامل انسانی برای یک برنامه شتاب، سازمان‌ها باید ذهنیت، نگرش یادگیری و تمایل به تغییر کارمندان خود را مورد ملاحظه قرار دهند. اگرچه به طور معمول لازم و یا مطلوب نیست که همه کارکنان بخواهند با شتابدهنده شرکت کار کنند و در جریان یادگیری سازمانی قرار بگیرند. مهم است که برخی کارکنان برای آن ویژگی‌های مناسبی داشته باشند زیرا از طریق ساختارهای سازمانی مفید و روش‌های انتقال دانش مورد استفاده، جبران فقدان عوامل انسانی مناسب امکان‌پذیر نخواهد بود. با این وجود می‌توان تأثیر مثبت بر آنها گذاشت. بنابراین کارکنان شتابدهنده باید با دقت انتخاب شوند. ویژگی‌های آنها باید ویژگی‌های مطلوب کارآمازون را ترکیب کنند، در حالی که مهارت‌های آنها برای تکمیل مهارت‌های کارکنان مفید باشد.

تنظیمات شتابدهنده شرکتی

برنامه شتابدهنده شرکتی با کمک حمایت‌کننده‌ای که کسب‌وکار اصلی‌اش سرمایه‌گذاری در شرکت نویاست، آغاز به فعالیت می‌کند. مدت‌زمان برنامه شتاب حدود سه تا شش ماه است. این برنامه گروهی در مراحل اولیه، از سوی شرکت نوپا حمایت شده تا فرایند کسب‌وکارِ مخاطره‌امیز جدید از طریق رایزنی، یادگیری و منابع موجود بهبود یابد.

در شتابدهنده شرکت‌ها موجود است. از این‌رو، چون این معیار برآورده می‌شود، نویسنده‌گان با تمرکز بر انتقال دانش از شتابدهنده شرکت به سازمان مادر، پژوهش خود را محدود می‌کنند که به طور یقین مناسب‌ترین مرحله در تقویت یادگیری سازمانی است و توسط سرمایه‌گذاری‌های کارآفرینانه از طریق برنامه‌های شتابدهنده شرکت تسهیل می‌شود. «انتقال دانش» جنبه اصلی فرایند یادگیری سازمانی است. در این زمینه جنبه «حفظ دانش» نقشی فرعی برای CA ایفا می‌کند.

سه بعد کلی تأثیرگذار بر یادگیری سازمانی از طریق شتابدهنده‌های شرکتی عبارت‌اند از عوامل زمینه‌ای، عوامل انسانی و روش‌های به کاررفته در سازمان. عوامل زمینه‌ای، ساختار سازمانی و فرهنگ سازمانی، محیط صنعت را دربرمی‌گیرند. عوامل انسانی می‌تواند تحت تأثیر شرکت و شتابدهنده خود قرار بگیرند، آنها اصلاح‌کننده‌ترین عوامل در بینش، دیدگاه نسبت به یادگیری و ابتکار عمل برای تغییر کارمندان در شتابدهنده شرکتی هستند. حتی اگر آنها تا حدودی تحت تأثیر شرکت باشند، ولی توسط افراد هدایت می‌شوند و بنابراین به راحتی از طرف شرکت قبل تغییر نیستند. رویکردهای نوین، ارتباطات و چندین نقطه تماش، روش‌های بعدی را نشان می‌دهند. این مباحث به عنوان اصلی‌ترین عوامل فعل یا مانع یادگیری سازمانی از طریق شتابدهنده‌های شرکتی شناخته شده‌اند.



چارچوب پیشنهادی طراحی برنامه شتابدهنده کسبوکار

این چارچوب طوری طراحی شده که در زمینه‌های مختلف، با محیطها و نیازهای کارآفرینانه متنوع قابل اجرا باشد. چارچوبی که ابعاد و مؤلفه‌های آن در شکل زیر نشان داده است، با ارزیابی زمینه برنامه، از جمله اکوسیستم و نهاد میزبان آغاز می‌شود. سپس به درک منطقی و اهداف برنامه از دیدگاه نهاد مجری می‌پردازد. پس از آن پارامترهای طراحی توصیف و نکات ویژه‌ای را توصیه می‌کند که هنگام طراحی برنامه باید در نظر گرفته شوند. در نهایت چارچوب اهمیت فرایند یادگیری و بهبود مستمر را بر جسته می‌کند. با توجه به اینکه ملاحظات زمینه‌ای همواره در حال تغییر است، چه در داخل و چه در خارج، فرایند طراحی یکی از مراحلی است که باید پیوسته تکرار شود و با پیشرفت برنامه، بر اساس بازخوردهای استارت‌اپ‌های ذی نفع و همچنین سایر ذی نفعان، مجدداً بررسی شود.

شتابدهنده‌های شرکتی معروف مانند بایر^۱ (مراقبت‌های بهداشتی)، آیانس^۲ (بیمه) و دیزنی^۳ (سرگرمی) را می‌توان نام برد. اما در چند سال گذشته، توجه بیشتری در زمینه شتابدهنده‌های شرکتی برای شرکت‌ها به طور معمول با استفاده از شتابدهنده‌های شرکتی برای تعامل با نوآوری خارجی و ایجاد انگیزه نوآوری سازمانی از طريق مشارکت با استارت‌اپ‌های کارآفرین اقدام می‌کنند و جذب استعداد را برای شتابدهنده‌های شرکتی انجام می‌دهند.

هایمن (Heinemann, 2015) نشان می‌دهد که شتابدهنده‌های شرکتی بیشتر توسط شرکت‌های پایگاه داده تأسیس می‌شوند و از طریق سرمایه‌گذاری خط پذیر سرمایه جذب می‌کنند. او معتقد است که هدف اصلی این شتابدهنده‌ها کمک به شرکت‌های باسابقه در زمینه زنجیره ارزش و کanal‌های توزیع است. ظهور شتابدهنده‌های شرکتی ناشی از تمایل بسیاری از شرکت‌ها برای نزدیک شدن به نوآوری و فناوری نوظهور است.

جدول ۱. طرح چارچوب پیشنهادی شتابدهنده کسبوکار شرکتی

زمینه - قرار دادن برنامه در چارچوبی مناسب برای هدایت روند طراحی					
نهاد میزبان - محیط داخلی یا نهاد میزبان در دانشگاه یا شرکت خصوصی			زیست‌بوم - اتصال برنامه جدید به زیست‌بوم کارآفرینی		
حدودیت‌ها	منابع	توانایی‌ها	برنامه‌های رقابتی	شکاف‌ها	بلغ زیست‌بوم
بررسی محدودیت‌های مؤسسه از نظر توانایی ارائه خدمات	ارائه منابع مالی یا دارایی خاص (توسط نهاد میزبان)	آغاز برنامه همراه با ترسیم قابلیت‌های مؤسسه، ایجاد و استفاده از آنها	کسب دانش جدید توسط شتابدهنده‌های شرکتی در روند صنعت، فناوری‌های جدید و رقابت	شناسایی شکاف‌ها در زیست‌بوم کارآفرینی محلی	سطح بلوغ زیست‌بوم کارآفرینی در منطقه یا شهر میزبان
اهداف و شاخص‌های عملکرد کلیدی			بیان منطق برنامه همراه با اهداف ویژه (چرایی برنامه توسط نهاد میزبان)		

طراحی پارامترها (محدوده شتابدهنده‌ها)									
مشارکت	منابع و قدرت نفوذ	ارائه خدمت	تماری و گامها	گروه استارت‌اپ‌ها	مراحل استارت‌اپ	تمرکز پخشی	برنامه ساختاری		
مشارکت عنصر کلیدی برنامه ریزی شتاب است. شرکای همکاری، برگزاری های شتابدهنده برای انکوپاتور، مؤسسه اموزشی، اهدائکنندگان و سرمایه‌گذاران یا خدمات دولتی باشند.	آموزش، راهنمایی، فضای همکاری، دسترسی به تجهیزات و شبکه‌های تجاری و دسترسی به منابع مالی.	مجموعه خدمات ارائه شده عنصر اصلی برنامه شتاب است.	برنامه یک تا سه ماهه برای شتابدهی ساختاریافت و هدفمند. برنامه‌ها شامل چندین مرحله است: اردو برای ارائه دانش اولیه و ایجاد زمینه‌های مشترک بین کارآفرینان و سپس انتقال به آموزش یا سایر خدمات پشتیبانی.	عبور از فرایند تصفیه طبیعی برای تکامل ایده به شرکت‌های تابع.	مراحل توسعه استارت‌اپ برای طراحی برنامه متناسب با شرکت‌کننده.	طراحی برنامه متناسب با نیازمندی‌های استارت‌اپ‌های شرکت کننده.	بر طرف کردن شکاف‌ها و چالش‌های اساسی برای حفظ ارزش برنامه.		

نظرارت، یادگیری و بهبودی، مداروم

صنعت، فناوری‌های جدید و رقابت کسب می‌کنند. این تجمع دانش جدید هم از طریق تعامل رسمی و هم غیررسمی صورت می‌گیرد. مزایای بلندمدت ناشی از این دانش جدید برای هر یک از سازمان‌های بزرگ بسیار متفاوت است.

محیط داخلی-نهاد میزبان^۵: با افزایش پدیده شتابدهنده، نوع نهاد میزبان به‌طور چشمگیری متفاوت شده است، ممکن است دانشگاه، شرکت خصوصی یا نهاد دولتی (Chesbrough, 2017) و خلاصه هر نوع مؤسسه، قابلیتها و منابع خاص و همچنین محدودیت‌هایی را ارائه دهد که هنگام طراحی برنامه شتاب باید مورد توجه قرار گیرد. به‌طور مثال، یک دانشگاه ممکن است بتواند دانش و نوآوری تولید کند، از اطلاعات در حال ظهره استفاده و یک ذهنیت کلی دانشگاهی و فرهنگ کارآفرینی ایجاد کند.

توانایی‌ها: برنامه باید با ترسیم قابلیت‌های مؤسسه میزبان آغاز شود و به‌دلیل ایجاد و استفاده از قابلیت‌هایی باشد که بتواند بیشترین ارزش را برای کاربران خود ارائه دهد. اینها ممکن است شامل دانش، عملیات، شبکه‌ها یا برنامه‌های آموزشی باشد. مثلاً، سطح و تجربه مدیران و مریبان می‌تواند توانایی مؤسسه را در انتخاب، حمایت و مدیریت کارآفرینان تعیین کند. علاوه بر این، توانایی ارائه آموزش رسمی یا غیررسمی ممکن است مفید باشد (Chesbrough, 2017).

منابع^۶: از نظر منابع فیزیکی، نهاد میزبان ممکن است بتواند منابع مالی یا دارایی خاصی را ارائه دهد تا بتواند برای کاربران مفید باشد. این مؤسسه باید در نظر بگیرد که آیا می‌تواند تأمین مالی خالص، کمک‌های بالاوضع یا هیچ یک از این دو را ارائه ندهد. همچنین باید به بررسی منابع غیرنقدی مانند فضاء، تخصص یا تجهیزات پردازد (Kuratko, 2015).

محدودیت‌ها^۷: در نهایت، طراحی برنامه باید محدودیت‌های مؤسسه را از نظر توanایی ارائه خدمات بررسی کند. اینها ممکن است محدودیت‌های قانونی یا منابع داشته باشند. پرسش‌ها ممکن است چنین باشند که آیا برنامه باید محدود باشد، آیا از نظر جغرافیایی باید محدود باشند، آیا به‌دلیل محدودیت‌های خاص مدت زمان باید کوتاه شود یا اینکه مزایای خاصی ارائه نمی‌شود (Ismail, 2002).

منطق^۸: براساس تجزیه و تحلیل زمینه خارجی و داخلی، منطق برنامه جدید باید همراه با اهداف ویژه بیان شود. دلیل منطقی شامل توضیحی درباره چرا باید این برنامه توسط نهاد میزبان است. مثلاً، یک

زمینه^۹: قبل از طراحی، برنامه جدید در چارچوب مناسب خود قرار گیرد، با درک عمیق از محیط خارجی، همان‌طور که در چارچوب زیست‌بوم کارآفرینی توضیح داده شد، محیط داخلی نیز باید از طریق تجزیه و تحلیل قابلیت‌ها، منابع و محدودیت‌های نهاد میزبان توصیف شود. این زمینه روند یا روال طراحی برنامه شتاب را هدایت می‌کند و اطمینان می‌دهد که ارزش پیشنهادی آن بدروستی بیان و هدف‌گذاری شده است.

محیط خارجی - زیست‌بوم کارآفرینی: برنامه جدید طراحی و به زیست‌بوم کارآفرینی محلی متصل شود و سایر خدمات ارائه شده را تکمیل کند و از منحصر به‌فرد بودن و رقابت برنامه اطمینان حاصل کند. تجزیه و تحلیل اکوسیستم می‌تواند شامل زیرساخت‌های ملموس مانند سیاست‌های دولت و منابع اقتصادی و زیرساخت‌های نامشهود مانند الگوها و فرصت‌های یادگیری باشد. زیست‌بوم کارآفرینی از عناصر گوناگون و نقش آفرینان متعددی تشکیل می‌شود که با یکدیگر در تعامل‌اند و پایداری کارآفرین را در جامعه و یا کسب و کار موجب می‌شوند (Saremi & Fartash, 2019).

سطح بلوغ^{۱۰}: برای طراحی برنامه، سطح بلوغ زیست‌بوم کارآفرینی در منطقه یا شهر میزبان بسیار مهم است. زیست‌بوم کارآفرینی را می‌توان با بررسی محیط حمایتی برای مشاغل آزاد در یک شهر یا منطقه، شامل شش حوزه سیاست، مالی، فرهنگی، پشتیبانی، سرمایه انسانی و بازارها تجزیه و تحلیل کرد. طراحی همچنین باید سرمایه انسانی منطقه مانند سطح شایستگی و تجربه مریبان و حامیان و همچنین سیستم آموزشی و فرهنگ کارآفرینی محلی را در نظر بگیرد.

شکاف‌ها^{۱۱}: برنامه‌ها همچنین باید طوری طراحی شوند که شکاف‌های خاصی را در زیست‌بوم کارآفرینی محلی هدف قرار دهند. این شکاف‌ها ممکن است مراحل تکامل استارتاپ، مرحله ایده، مرحله اولیه یا مرحله رشد تمرکز بر بخش، تمرکز جغرافیایی یا نوع خدمات شتاب را منعکس کند (Goswami, 2018). شروع خوب تهیه و ارزیابی زیست‌بوم محلی برای شناسایی این شکاف‌ها و مطابقت آنها با نهاد میزبان (دانشگاه یا شرکت خصوصی) و همچنین ظرفیت نهادی آن است.

برنامه‌های رقابتی^{۱۲}: اگر شتابدهنده کسب و کار شرکتی از توanایی قبل توجهی برخوردار باشد، منافع مستقیم و غیرمستقیمی را همراه دارد. سود اصلی شرکت‌ها راهبردی است. در کوتاه‌مدت، شتابدهنده‌های شرکتی دانش جدیدی درباره انتظارات مشتری، روند

-
1. Context
 2. Maturity
 3. Gaps
 4. Competing Programs

تمرکز بر بخش^۵: پیشنهاد ارزش برنامه باید متناسب با نیازهای استارتاپ‌های شرکت‌کننده در برنامه باشد. برنامه‌ای که در یک زیستبوم بالغ طراحی شده باشد ممکن است تخصصی‌تر و متراکم‌تر باشد و بهدلیل افزودن ارزش مناسب در یک زمینه فعال باشد (Cohen & Hochberg, 2014)، با این حال، برنامه‌هایی که در زیستبوم‌های نوپا طراحی شده‌اند، اگر از نظر دامنه وسیع و از نظر خدمات ارائه‌شده عمومی باشند، ممکن است جایگاه بهتری داشته باشند. با بالغ شدن زیستبوم، ممکن است برنامه‌ها نیاز به تکامل و تخصص در زمینه‌هایی داشته باشند که با نهادهای میزبان و همچنین ذی‌نفعان اصلی آنها هماهنگ باشد. اگر سازمان میزبان بخواهد برنامه‌ای متراکم را شروع کند، باید در دسترس بودن ارتباط مناسب در یک بخش و همچنین متابع داخلی (دانش و امکانات) برای حمایت از استارتاپ‌های آن بخش را بررسی کند.

مراحل استارتاپ^۶: استارتاپ‌ها از ایده‌پردازی تا تصور و اعتبارسنجی، مراحل متعددی را طی می‌کنند، از طریق راهاندازی و رشد، ماهیت خدمات حمایتی مورد نیاز استارتاپ‌ها در مراحل مختلف متفاوت است. یک برنامه جدید باید در مرحله توسعه مشخص باشد که از آن پشتیبانی کند و برنامه خود را متناسب با آن طراحی کند (Ismail, 2020).

گروه‌های استارتاپ-استارتاپ‌ها: با تکامل از ایده به شرکت‌های بالغ، از فرایند تصفیه طبیعی عبور می‌کند. در هر مرحله، برخی از استارتاپ‌ها ممکن است شکست بخورند و تعطیل شوند و تعداد کمی از آنها به مرحله بعدی راه پیدا کنند (Kurtatko et al., 2015). یک برنامه همچنین ممکن است خدمات خاصی را فقط به بخشی از گروه ارائه دهد، هرچند که این امر میزان موفقیت بقیه گروه را تضعیف می‌کند. نحوه انتخاب این گروه‌ها نیز مهم است. انتخاب ممکن است داخلی (بر اساس دانش و ترجیحات مدیران شتاب‌دهنده) یا خارجی (بر اساس تجربیات کارآفرینان خارجی و متخصصان صنعت) باشد. گروه‌های شتاب‌دهنده اغلب به صورت دسته‌ای انتخاب می‌شوند و راههای تعامل این گروه‌ها ممکن است بر نتایج برنامه تأثیر بگذارد (Chesbrough, 2017).

تدابع و گام‌ها: برنامه‌های شتاب عموماً کوتاه‌مدت‌اند، اما این مدت ممکن است از چند هفته تا چند ماه متغیر باشد. برنامه‌های کوتاه‌مدت با یک تا سه ماه برنامه‌های شتاب‌دهی ساختار یافته و هدفمند هستند که استارتاپ‌ها را با چرخه سریع توسعه محصول، مانند مشاغل فناوری آنلاین، مشخص می‌کند. ارائه خدمات به‌طور

نهاد میزبان ممکن است بهدلیل کمک به مشاغل نوپا در یادگیری سریع، سازگاری و تسريع تعاملات بازار باشد. آنها همچنین ممکن است مایل به کاهش هزینه‌های جستجو و برای سرمایه‌گذاران و کارآفرینان باشند.

اهداف و شاخص‌های کلیدی عملکرد^۷: اهداف، نتایج نهایی مطلوب برنامه شتاب را همراه با شاخص‌های کلیدی عملکرد بیان می‌کند. این اهداف طراحی برنامه را هدایت می‌کند و اطمینان می‌دهد که طرح با اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت همخوانی دارد و اقدامات مشخصی برای عملکرد از ابتدا مورد توافق قرار می‌گیرد. شاخص‌ها برای موفقیت برنامه بسیار مهم‌اند، زیرا آنها معیارهایی هستند که مؤسسه میزبان می‌خواهد در برنامه انجام دهد. شاخص‌های کلیدی عملکرد (KPI)^۸ ممکن است شامل شاخص‌های عملیاتی مانند تعداد متقاضیان برنامه (شاخص دسترسی) تعداد مشارکت‌کنندگان مشاغل یا مریبان دانشگاهی، ساعت‌آموزش یا راهنمایی ارائه‌شده یا مشارکت‌های ایجادشده باشد. آنها همچنین ممکن است نتایج برنامه، مانند تعداد دانش‌آموختگان استارتاپ‌ها، وجود سرمایه‌گذاری جذب شده توسط این استارتاپ‌ها در طول یک یا چند سال پیش از پایان تحصیل، درآمدهای ایجادشده توسط استارتاپ‌ها یا مشاغل جدید ایجادشده توسط استارتاپ‌ها را پوشش دهند. تمام این KPI‌ها اقداماتی کوتاه‌مدت‌اند که می‌توان در مدت کوتاهی پس از اجرای برنامه اندازه‌گیری کرد. با این حال، تأثیر واقعی برنامه‌های شتاب در مدت‌زمان طولانی و چندین سال رخ می‌دهد. این به طور معمول پس از چندین سال اجرای برنامه از طریق مطالعات اختصاصی «ازیزی ایجادشده توسط استارتاپ‌ها را پوشش دهنده. این به تأثیر طولانی مدت نگاه می‌کند و اهداف و طراحی برنامه را بازبینی می‌کند، اندازه‌گیری می‌شود (Albliwi et al., 2014).

پارامترهای طراحی شتاب‌دهنده^۹

گزاره ارزش (ارزش برنامه): در ارزش برنامه باید به شکافها و چالش‌های اساسی که مشاغل در زمینه‌های محلی با آن روبرو هستند، مانند دسترسی به دانش، شبکه‌ها، بازارها یا سرمایه بپردازد. برنامه باید طوری طراحی شود که این شکافها را برطرف کند و یک پیشنهاد واضح ارائه دهد که با مخاطب هدف مطابقت داشته باشد. علاوه بر این، یک برنامه باید با هدف ایجاد یک پیشنهاد ارزشمند واضح برای ذی‌نفعان داخلی خود در مؤسسه میزبان (مانند ایجاد دانش، نوآوری، جمع‌آوری کمک‌های مالی یا نام تجاری) به ارائه ارزش به ذی‌نفعان خارجی در زیستبوم بپردازد (Cohen & Hochberg, 2014).

1. Objectives & KPIs
2. Key Performance Indicators (KPI)
3. Design Parameters
4. Value Proposition

(Ismail, 2020).

مشارکت: مشارکت عنصر کلیدی برنامه‌ریزی شتاب است، زیرا می‌تواند خدمات کلی ارائه شده را تقویت کند. شرکا ممکن است از دیگر برنامه‌های شتابدهی یا انکوباتور، مؤسسه‌آموزشی، اهداف‌گذاران و سرمایه‌گذاران یا خدمات دولتی باشند. شرکای درگیر ممکن است به محدودیت‌های مؤسسه بستگی داشته باشد و اینکه آیا این محدودیت‌ها، توانایی آنها را برای پر کردن شکاف یا نیازهای موجود در زیست‌بوم محدود می‌کند. ظرفیت مؤسسه برای تقویت روابط درون زیست‌بوم کارآفرینانه در اینجا بسیار مهم است. رویکرد مبتنی بر مشارکت نه تنها برنامه‌ریزی شتاب / انکوباتور، بلکه سهم کلی آن را در محیط زمینه‌ای و اکوسيستم کارآفرینی تقویت می‌کند (Cohen & Hochberg, 2014).

یادگیری و بهبود مستمر: آنچا که زمینه، منابع و سایر عناصر برنامه ممکن است به طور مداوم در حال تکامل باشند، برنامه‌های شتاب باید تکامل یابند و سازگار شوند و مدیران شتابدهنده این ذهنیت را اتخاذ کنند که امکان طراحی و توسعه مستمر را فراهم آورند. مثلاً با تکامل برنامه، برخی خدمات ممکن است کمتر مرتبط شوند. تغییرات بیرونی در زیست‌بوم نیز می‌تواند بر ساختار داخلی برنامه تأثیر بگذارد. برای مقابله با محیط در حال تغییر، سازمان‌های میزان چرخه یادگیری و تطبیق عملکرد مداوم را اتخاذ کنند. همان‌طور که در حال حرکت‌اند، برنامه‌ها می‌توانند پارامترهای جدیدی را بر اساس زمینه‌های متغیر و قابلیت‌های نهادی ناشی از یادگیری در این فرایند طراحی کنند. این امر باید شامل تجزیه و تحلیل منظم محیط‌های بیرونی و داخلی بازتاب پارامترهای طراحی بر اساس هر گونه تغییر باشد. روش‌های بازخورد مناسب نیز مهم‌اند، زیرا می‌توانند به تعیین عناصر برنامه با ارزش و دستیابی به اهداف آنها کمک کنند (Goswami et al., 2018).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شرکت‌های نوپا برای اجرای برنامه‌شتابدهنده باید عوامل گوناگونی را در نظر بگیرند. اول، نوآوری‌ها باید به جای دستیابی به یک محصول، بر دستیابی به تناسب محصول در بازار تمرکز کنند. دوم، توصیه‌می‌شود همان‌طور که اسکات و همکاران (Scott et al., 2015) می‌گویند استارت‌تاپ‌ها از تعداد زیادی از متخصصان و مریبان ماهر، ارزیابی مکرر داشته باشند. اما از طرف دیگر، استارت‌تاپ‌ها پیشنهادهای مریبان را در اولویت قرار دهند و بازخوردهای ارزشمند را در نظر بگیرند. در مرحله بعد، شرکت‌های نوپا بپذیرند که بخش‌هایی از فناوری نوآورانه آنها در شتابدهنده‌های شرکت ادغام شده است. اگر استارت‌تاپ‌ها آماده پذیرش انتقال فناوری نباشند، باید از مشارکت با شتابدهنده خودداری

معمول بر حمایت از استارت‌تاپ در توسعه مدل کسب‌وکار متمرکز است، در حالی که بنیان‌گذاران نمونه اولیه خود را می‌سازند. برنامه‌های کوتاه‌مدت و چند هفته‌ای ممکن است بر آموزش و راهنمایی تمرکز کنند (Cohen & Hochberg, 2014). برنامه‌ها ممکن است شامل چندین مرحله باشند - مثلاً، شروع با یک اردوی راهاندازی برای ارائه دانش اولیه و ایجاد زمینه‌های مشترک در بین کارآفرینان و سپس انتقال به آموزش یا سایر خدمات پشتیبانی ادامه یابند. اکثر آنها با جشن پیشرفت کارآفرینان در «روز نمایش» به پایان می‌رسند، زمانی که استارت‌تاپ‌ها پیشرفت خود را نشان می‌دهند و ممکن است به دنبال سرمایه‌گذاران یا شرکای تبلیغات رسانه‌ای باشند. در تمام مراحل، نجوا مدیریت و پاسخگویی استارت‌تاپ‌ها کلید برنامه است.

ارائه خدمات: مجموعه خدمات ارائه شده عنصر اصلی برنامه شتاب را تشکیل می‌دهد. خدمات معمول ممکن است شامل آموزش، راهنمایی، مریگری، فضای همکاری، دسترسی به تجهیزات و فناوری، معرفی شبکه‌های تجاری و دسترسی به منابع مالی باشد. مثلاً، خدمات آموزشی ممکن است رسمی باشد، مانند درس‌ها و سمینارهای ساختاریافته. یادگیری از طریق مریبان، مشتریان یا همسالان و مکان خدمات نیز مهم است. خدمات ممکن است فیزیکی یا مجازی باشند. طراحی خدمات باید با نیازهای زمینه‌ای زیست‌بوم و همچنین توانایی‌های مؤسسه برای ارائه این خدمات متناسب باشد (Chesbrough, 2017). در هر صورت، ارائه خدمات با مشخصات و نیازهای استارت‌تاپ‌ها منتخب هماهنگ باشد و در فرایند انتخاب منعکس شود. سرانجام، مهم است که مجموعه‌ای از خدمات را به عنوان یک «بسته» در نظر بگیریم.

منابع و قدرت نفوذ: به طور ویژه، دانش و تجربه دانشگاه - اعم از اعضای هیئت علمی، دانشجویان و داشت‌آموختگان - به نظر می‌رسد منبع توانمندی برای استارت‌تاپ‌ها هستند. این برنامه همچنین ممکن است سطح و شدت فعالیت‌ها و منابع مرتبط با آن را در نظر بگیرد که در برنامه بسیج شده و سرمایه‌گذاری شده‌اند. برنامه‌های کوتاه‌مدت تمايل بیشتری به طراحی دارند، جایی که کارآفرینان فعالیت‌های ساختارمندی را برای ایجاد ظرفیت خود انجام می‌دهند. برنامه‌های طولانی‌مدت شدت کمتری دارند و در طول زمان بیشتری گسترش می‌یابند (گاهی بر اساس نیاز).

استفاده از منابع با اندازه، پیچیدگی و شدت برنامه مطابقت دارد. برنامه‌ها ممکن است به منابع قابل توجهی از سازمان میزان مانند آموزش، راهنمایی، مدیریت برنامه، امکانات و سرمایه‌نیاز داشته باشد. توانایی سازمان میزان برای جمع‌آوری و استفاده از منابع شرکای خود بر ماندگاری مالی و پایداری بلندمدت برنامه آنها تأثیر می‌گذارد

یادداشت‌ها

۱. «طراحی چارچوب برنامه شتابدهی کسبوکارهای شرکتی (مطالعه موردي شرکتهای تابعه وزارت ارتباطات و فناوري اطلاعات» عنوان پایان نامه آقای مهندس مهدی فيروز در سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ايران و استاد راهنماء آقای دکتر قاسم رمضان پور نرگسی در سال جاري است.
۲. نوآوری باز به عنوان ابزاری برای دستیابی به منابع منطق نوآوری باز فرض می‌کند که همه منابع، توانایی‌ها و ایده‌ها شرکت‌ها می‌توانند و باید از ایده‌های خارجی و ایده‌های داخلی و مسیرهای داخلی و خارجی به بازار استفاده کنند. از این‌رو فرصت دستیابی به مزایای رقابتی و با استفاده از دانش فنی درون‌سازمانی و برون‌سازمانی به روشنی سودمند و اقتصادی بددست می‌آورند (پژوهش جهرمی، ۱۳۹۶). همکاری با شرکای خارجی با توجه به جهت جريان دانش، به سه فرایند نوآوری باز، اجازه‌برقراری می‌دهد. در مرحله اول، فرایند خارج، پایگاه دانش یک شرکت و در نتیجه نوآوری آن را با تأمین منابع دانش خارجی (وروودی) تقویت می‌کند. دوم، فرایند درون به بیرون امکان بهره‌برداری خارجی از دانش داخلی یک شرکت را فراهم می‌آورد. فرایند سوم، هر دو رویکرد را به یک حالت نوآوری باز متصل می‌کند (Goswami et al., 2018).

References

- Alblawi, S., Antony, J., Lim, S. & van der Wiele, T. (2014). Critical failure factors of Lean Six Sigma: A systematic literature review. *International Journal of Quality and Reliability Management*, 31 (9), 1012-1030. DOI: 10.1108/IJQRM-09-2013-0147
- Argote, L. (2011). Organizational learning research: Past, present and future. *Management Learning*, 42 (4), 439-446. DOI: 10.1177/1350507611408217
- Bauer, S., Obwegeser, N., & Avdagic, Z. (2016 September 4-6). Corporate accelerators: Transferring technology innovation to incumbent companies [Paper presentation]. In *MCIS 2016 Proceedings- AIS Electronic Library (AISeL)*. Cyprus, Europe.
- Bhasin, S. (2012). Prominent Obstacles to Lean. *International Journal of Productivity and Performance Management*, 61 (4), 403-425. DOI: 10.1108/17410401211212661
- Blank, S. (2013). *Why the Lean Start-Up Changes Everything*. Massachusetts: Harvard Business Review.

کنند. سود اقتصادی بزرگی که برای شرکت‌های نوپا ایجاد می‌شود سرمایه‌های اقتصادی است که شرکت‌های فعال در این زمینه ایجاد می‌کنند. در تحقیق هائینس (Haines, 2016) نیز نشان داده شد که گاهی استارتاپ‌ها می‌توانند به منظور حمایت از شتابدهنده محصولی را ایجاد کنند که رایگان، آزاد یا فوری است و پایدار نیست. استارتاپ‌ها ممکن است محصولات و خدمات خود را بر اساس اصول راهاندازی سریع توسعه دهنند که در آن از شیوه‌های توسعه چاپک برای توسعه حداقل محصول مناسب و تمرکز بیشتر بر توسعه مشتری و استقرار مستمر استفاده می‌کنند.

انتظارات و اهداف شرکت از یک شتابدهنده (CA)، امکان بستن شکاف‌های نوآوری، حل چالش‌های تجاری، گسترش به بازارهای جدید، تجدید فرهنگ شرکت‌ها و جذب و حفظ استعدادهایست، در حالی که استارتاپ‌ها نیز دسترسی به منابع جدید، افزایش اعتبار، دسترسی به بازارهای جدید و مهم‌تر از همه تأمین بودجه انتظار و امید دارند. شتابدهنده شرکتی همچون پل ارتباطی بین استارتاپ‌ها و شرکت‌ها عمل می‌کند و باعث ارتقای موقفيت هر دو طرف و همچينين انعقاد قراردادهای تجاری بین آنها می‌شود. بر اساس نظر گاوريلنکو و وانگ (Gavrilenko & Wang, 2021) مأموریت CA به طور ساده، این است که یاد بگيريم که یک استارتاپ چقدر ظرفیت دارد و تا چه اندازه می‌تواند رشد کند. انتظار واضح از شتابدهنده اين است که سود شتابدهنده از یک استارتاپ با عملکرد خوب حاصل شود.

این بررسی می‌تواند مقدمه‌ای برای پژوهش دیگری در حوزه آی‌سی‌تی (ICT) در ایران قرار بگیرد، چون (۱) امروزه بیشتر شتابدهنده‌ها در زمینه فناوري اطلاعات و ارتباطات شکل گرفته‌اند، نظری شتابدهنده‌های شرکتی در گوگل، آمازون، ماکروسافت و مانند آن؛ (۲) با توجه به اهمیت این حوزه در تمام رشته‌های صنعتی و نقش محوري آن در توسعه فناوري و نوآوری، نقش شتابدهنده‌ها به عنوان مهم‌ترین عامل در جهش تولید دانش‌بنیان در این حوزه مطرح می‌شود و (۳) به دليل گستردگی و شکل گيري شرکت‌های دانش‌بنیان در دهه اخیر در کشور، ضرورت دارد در میان این شرکت‌ها آنهايی که در حوزه آی‌سی‌تی فعالیت می‌کنند، مورد توجه قرار گيرند. از آنجا که چارچوب‌های طراحی شده قبلی برنامه‌های شتابدهنده، برای اکوسیستم دیگری طراحی شده‌اند و جامعیت لازم در این زمینه را ندارند (جدول ۱)، چارچوبی برای برنامه شتابدهی کسبوکار شرکتی طراحی و راهه کرديم که در آن زمینه‌های گوناگون، محیط‌ها و نيازهای کارآفرینانه متنوع قابل اجرا باشد. بدیهی است اين چارچوب می‌تواند در زمینه فناوري اطلاعات و ارتباطات در ايران مورد استفاده قرار گيرد.

- Byrne, J. R., O'Sullivan, K., & Sullivan, K. (2016). An IoT and wearable technology hackathon for promoting careers in computer science. *IEEE Transactions on Education*, 60 (1), 50-58. DOI: 10.1109/TE.2016.2626252
- Chesbrough, H. (2017). The future of open innovation: The future of open innovation is more extensive, more collaborative, and more engaged with a wider variety of participants. *Research-Technology Management*, 60(1), 35-38. DOI: 10.1080/08956308.2017.1255054
- Cohen, S. (2013). What do accelerators do? Insights from incubators and angels. *Innovations: Technology, Governance, Globalization*, 8 (3), 19-25. DOI:10.1162/INOV_a_00184
- Cohen, S., & Hochberg, Y. V. (2014). Accelerating startups: The seed accelerator phenomenon. *Management Faculty Publications*, 1-16. DOI: 10.2139/ssrn.2418000
- Cooper, R. Sommer, A. (2016). From experience: The Agile–Stage-Gate Hybrid Model: A promising new approach and a new research opportunity. *Journal of Product Innovation Management*, 33 (5), 513-526. DOI: 10.1111/jpim.12314
- Fehder, Daniel C. & Hochberg, Yeal. (2014 September 19). *Accelerators and the Regional Supply of Venture Capital Investment*. Retrieved from SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2518668>
- Gavrilenko, Z. & Wang, Sh. (May, 2021). *Corporate accelerators: How can companies utilize corporate accelerators to strengthen strategic market advantage?* (Master Thesis). University of Oslo, Norway.
- Goswami, K., Mitchell, J. R. & Bhagavatula, S. (2018). Accelerator expertise: Understanding the intermediary role of accelerators in the development of the Bangalore entrepreneurial ecosystem. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 12 (1), 117-150. DOI: [10.1002/sej.1281](https://doi.org/10.1002/sej.1281)
- Hackett, S. & Dilts, D.M. (2004), A systematic review of business incubation. *Journal of Technology Transfer*, 29 (1), 55-82. DOI: 10.1023/B:JOTT.0000011181.1952.0f
- Haines, Tory. (2016). Developing a startup and innovation ecosystem in regional Australia. *Technology Innovation Management Review*, 6 (6), 24-32.
- Heinemann, F. (2016). Full archive of corporate accelerators. Retrieved from: <https://www.corporate-accelerators.net/database/archive.html>
- Heshmati, S., & Shafiee, M. (2021). Pathology of acceleration programs in corporate accelerators of Iran. *World Journal of Science, Technology and Sustainable Development*, 18 (4), 405-416. (Persian) DOI: 10.1108/WJSTSD-03-2021-0033
- Ismail, A.(2020)). A framework for designing business- acceleration programs: A case study from Egypt. *Entrepreneurship Research Journal*, 10 (2), 1-16. DOI: 10.1515/erj-2018-0196
- Kordheydari, R., Mansouri Moayyed, F., & Khodadad Hoseini, H. (2019). Metasynthesis of factors affecting to develop startups in new technology-based firms in the entrepreneurial ecosystem. *Journal of Entrepreneurship Development*, 12 (1), 141-160. (Persian)
- Kuratko, D. F., Hornsby, J. S., Hayton, J. (2015). *Corporate entrepreneurship: The innovative challenge for a new global economic reality*. *Small Business Economics*, 45 (2), 245-253. DOI: 10.1007/s11187-015-9630-8.
- Mobini Dehkordi, A., Yadollahi Farsi, J., Sakhdari, K., & Khaleghi, A. (2018). Identification of opportunity evaluation criteria in accelerators. *Journal of Technology Development Management*, 6(2), 79-108. (Persian) DOI: 10.22104/JTDM.2018.2917.1982
- Nesner, T., Eismann, T., & Voigt, K. I. (2020). It's a match! Building relationships between corporates and startups throughout Corporate Accelerators. *Journal of Technology & Innovation Management*, 4 (1), 1-33.
- Pazhouhesh Jahromi, A. (2018). Effect on inbound open innovation on the business model of knowledge-based companies. *Rahyaf*, 69 (1), 29 -41. (Persian)
- Pedersen, E., Huniche, M. (2011). Determinants of lean success and failure in the Danish public sector: A negotiated order perspective. *International Journal of Public Sector Management*, 24 (5), 403-420. DOI:10.1108/0951355111147141
- Ries, E. (2011). *The Lean Startup*. London: The Penguin Group.
- Saremi, M.S.,Fartash, K.,Adabi Firouzjae, M.,& Sadabadi, A. A. (2019). Review of municipalities and local governments' roles in developing regional and urban innovation ecosystems (A comparative study with focus on the city of Tehran). *Rahyaf*, 29 (3), 27-41. (Persian) DOI: 10.22034/RAHYAFT.2019.13788.
- Scott, E. L., Shu, P., & Lubynsky, R. M. (2015). *Are 'better' ideas more likely to succeed? An empirical analysis of startup evaluation* (No. 16-013). Boston: Harvard Business School.
- Uhrdin, N. A. (2020). *Learn how to experiment: The development of a corporate accelerator* (Doctoral dissertation). University of Leeds, Leeds.



قاسم رمضان پور نرگسی

ایشان عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فناوری‌های نوین-سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران بوده و دانشیار مدیریت فناوری و دکتری مدیریت دولتی از دانشگاه تهران و علاقمند به پژوهش و مطالعه در زمینه مدیریت فناوری، نوآوری و کارآفرینی و موضوعاتی مرتبط است.



هماقائد شرفی

پژوهشگر ارشد پژوهشکده مطالعات فناوری‌های نوین-سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران بوده و کارشناسی ارشد فناوری اطلاعات از دانشگاه مک گیل کانادا، و کارشناسی ارشد در زبان‌شناسی از دانشگاه شیبراز دریافت کرده است. وی علاقمند به مطالعه و پژوهش در مدیریت فناوری، نوآوری و کارآفرینی و موضوعاتی مرتبط است.



مهرداد فیروز

معاون تجاری مخابرات خراسان شمالی و دانشجوی دکتری، مدیریت سیاست‌گذاری علم و فناوری است و کارشناسی ارشد سیستم‌های اطلاعاتی است. وی علاقمند به مطالعه و پژوهش در زمینه سیاست‌ها و راهبردهای علوم، فناوری و نوآوری است.